

انقلاب اسلام زبیدار مسلمانان جهان و جنبش‌های رهاگری بخش *

مقدمه:

انقلاب اسلامی ایران در اوج جنگ سرد و استیلاهای اندیشه‌های کمونیسم و لیبرالیسم بر دو نیمکره شرق و غرب به وقوع پیوست و با پیروزی و ماهیت دینی و اسلامی آن، دنیای شرق و غرب علیه انقلاب اسلامی بسیج شدند. از آثار مثبت و سازنده انقلاب اسلامی، بیداری مسلمانان جهان و جنبش‌ها و نهضت‌های رهایی‌بخش به ویژه در فلسطین اشغالی و لبنان بوده است. انقلاب اسلامی به لحاظ ماهیت و هدف مقدس، دست دوستی و اتحاد را به سوی جهان اسلام و کشورهای اسلامی و عربی دراز کرده است و برای ایجاد همگرایی در دنیای اسلام از سال ۱۳۵۷ تا به امروز گام‌های ارزنده و مؤثری را در جهان اسلام برداشته است.

اردوگاه شرق و غرب و به ویژه آمریکا در این مدت تلاش‌های زیادی را برای ایجاد شکاف میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای اسلامی و عربی و ایجاد فاصله میان انقلاب اسلامی و جنبش‌های رهایی‌بخش اسلامی انجام داده است، اما عمده‌ی این تلاش‌ها تاکنون به شکست انجامیده است و با وجود مانع‌تراشی و تبلیغات منفی غرب علیه انقلاب اسلامی، نفوذ معنوی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه‌ی اسلامی پیش از گذشته شده است. مقاله‌ی حاضر تأثیر انقلاب اسلامی در بیداری مسلمانان جهان و جنبش‌های رهایی‌بخش را مورد بررسی قرار می‌دهد. این پدیده از ابعاد مختلف قابل بررسی است. ابتدا به این مقوله در چارچوب سیاست خارجی در قانون اساسی می‌پردازیم؛ سپس به نقش آن در جنبش‌های اسلامی اشاره می‌شود.

۱- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به مسلمانان از دیدگاه قانون اساسی:

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مبنا و اساس نظری و رفتاری سیاست خارجی آن را تشکیل می‌دهد در موارد متعددی، دفاع و حمایت از مستضعفان و مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان (۱) را وظیفه‌ی جمهوری اسلامی ایران می‌داند و یا اصل یازدهم می‌گوید: « دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه‌ی ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش به عمل آورد تا وحدت سیاسی - اقتصادی و فرهنگی جهان اسلامی را تحقق بخشد» (۲). یا اصل ۱۵۲ اعلام می‌دارد که «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری... دفاع از حقوق همه‌ی مسلمانان می‌باشد» (۳). همچنین اصل ۱۵۴ قانون اساسی با صراحت اعلام می‌نماید که جمهوری اسلامی ایران در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه‌ی حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند» (۴).

این دیدگاه که ناشی از دیدگاه ایدئولوژیکی جمهوری اسلامی ایران است، بیانگر آن است که جمهوری اسلامی ایران حمایت از مسلمانان و مستضعفان جهان را وظیفه‌ی ایدئولوژیکی و ارزش‌های آرمانی خود تلقی می‌کند و در این راه منافع ایدئولوژیکی و آرمانی را بر منافع مادی ترجیح می‌دهد و در موارد بسیاری، رفتار سیاست خارجی ایران حاکی از آن است که براساس منافع ایدئولوژیکی و وظیفه‌ی دینی و اسلامی عمل کرده است و لذا حمایت از مسلمانان فلسطینی، نامشروع دانستن اسرائیل و مخالفت با روند ناعادلانه صلح و حمایت از انتفاضه از مصادیق بارز آن است. (۵)

۲- تضاد منافع ایران، آمریکا و اسرائیل

در جهان امروز کشورهای محدودی براساس منافع ایدئولوژیکی عمل می‌نمایند. امام جمهوری اسلامی ایران براساس اصول قانون اساسی، ماهیت و هدف مقدس انقلاب اسلامی، در سیاست خارجی منافع ایدئولوژیکی را نیز در دستور کار خود دارد. از این رو مواضع ایران در برابر ناعادلانه بودن روند سازش خاورمیانه و نادیده گرفته شدن حقوق فلسطینی و حمایت از آرمان فلسطین که ناشی از مبانی ایدئولوژیکی می‌باشد، منافع بسیاری از کشورها را به چالش فرا خوانده است. لذا دنیای غرب به ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی که بیش از همه منافع خود را در خطر می‌بینند، این موضع‌گیری‌های آرمانی را یکی از دلایل اصلی مخالفت خود با ایران و تلاش برای منزوی کردن این کشور قلمداد می‌کنند.

بنابراین تا زمانی که جمهوری اسلامی ایران در مواضع خاورمیانه‌ای حمایت از ملت مظلوم و رنج‌دیده‌ی فلسطین ثابت‌قدم است، دشمنی

آمریکا و اسرائیل با این انقلاب هم‌چنان وجود خواهد داشت. از این رو اتهامات چهارگانه از جمله اتهام هسته‌ای، نقض حقوق بشر در ایران، حمایت تهران از تروریسم و اخلال در روند سازش، بهانه‌ای بیش نیست و مشکل آمریکا با استقلال، ماهیت و اهداف مقدس و عالی‌ه‌ی انقلاب اسلامی و نقش این انقلاب در بیداری مسلمانان جهان و جنبش‌های رهایی‌بخش می‌باشد.

به طور کلی دلایل اصلی منافع متضاد جمهوری اسلامی ایران، رژیم صهیونیستی و آمریکا را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

الف) اعتقاد نژادپرستانه، خرافی و تحریف‌شده دین یهود و خصومت با تمامی ادیان الهی به ویژه اسلام.

ب) وقوع انقلاب اسلامی ایران به عنوان نماینده‌ی اسلام ناب محمدی (ص) با ماهیتی ضد استکباری و ضد صهیونیستی، حامی مستضعفان و مسلمانان جهان و تهدیدکننده‌ی امپال، اهداف و منافع انسانی و نامشروع رژیم صهیونیستی و آمریکای سلطه‌طلب.

ج) از دست رفتن منافع کلان سیاسی، اقتصادی آمریکا و صهیونیست‌ها در منطقه با پیروزی انقلاب اسلامی و ریزش یکی از پایه‌های دو ستونی استکبار جهانی در خاورمیانه.

۳- انقلاب اسلامی و خیزش تفکر اسلامی:

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، از سوی بسیاری به عنوان یکی از مهم‌ترین حوادث و رویدادهای تاریخ معاصر تلقی شده است. بخشی از این امر مربوط به ایجاد خیزش و شوری است که در میان ملل تحت ستم در سراسر جهان، به طور کلی و ملت‌های مسلمان به طور خاص به وجود آورده است. (۶)

انقلاب اسلامی ایران انعکاس زیادی در ورای مرزهای خود داشته است و به لحاظ هواخواهانی که جلب کرده، به عنوان یک نیروی مؤثر توسط دیگر کشورها عنوان شده است. انقلاب اسلامی ایران به مسلمانان هویت و قدرت بخشید و موجب شد تا مسلمانان با درک جایگاه و اهمیت اسلام و نقش دین در سیاست، اعتماد به نفس از دست‌رفته را باز یابند و حرکت‌هایی را برای مبارزه و نفی استبداد و استکبار آغاز نمایند.

انقلاب اسلامی به عنوان نقطه‌ی آغاز خیزش تفکر اسلامی است. در حالی که قرن بیستم با عقب‌نشینی اسلام در پی ضعف و ناتوانی امپراطوری عثمانی آغاز شد، پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال‌های قرن بیستم، آغاز دوره‌ی جدیدی از احیای مجدد اسلام را نوید داد.

با پیروزی ایران، در سراسر جهان اسلام، از یوگسلاوی و مراکش در غرب گرفته تا اندونزی و فیلیپین در شرق، یک جنبش مردمی نضج گرفت. این تجدید حیات اسلامی به شکل‌های مختلف و با بیان عقیدتی مرتبط به یکدیگر، در انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران، حرکت‌های

و امنیتی پاکستان در دوران جنگ سرد و پس از آن است و ایران در ایجاد، رشد و تقویت این گروه در افغانستان و فراسوی مرزهای این کشور هیچ نقشی نداشته است.

بنابراین بحث از نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری مسلمانان جهان و جنبش‌های رهایی بخش به معنی و مفهوم آگاهی‌بخشی، خیزش تفکر اسلامی، ایجاد و تقویت اعتماد به نفس مسلمانان، خیزش اندیشه‌های وحدت بخشی میان مسلمانان و تقویت سازمان‌های اسلامی در جهان اسلام، پایان دادن به رفتارهای ذلت‌بار جهان اسلام در قبال غرب، تبدیل شدن به الگو برای ملت‌های منطقه در مبارزه با استبداد و استکبار، اثبات نقش مذهب و اسلام در بسیج توده‌ها و کارآمدی مدیریت دینی و اسلامی در عرصه‌ی سیاست و حکومت و نقش آن در انتفاضه و مقاومت فلسطین و لبنان است.

۴- وجه مشترک جنبش‌های اسلامی

الف) درک جدید از اسلام و قرآن
ب) تعهد نسبت به اصول مربوط به برابری، عدالت‌خواهی، مبارزه با ظلم، استبداد و استکبار.

ج) استقلال و مقاومت در مقابل وابستگی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی.

د) پایگاه مردمی و نفوذ معنوی و سیاسی در میان توده‌های مردم. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان علل و عوامل رشد اسلام‌گرایی بیداری اسلامی را به شرح زیر برشمرد:

الف) واکنش در قبال غرب و غربزدگی (۷).

ب) واکنش به بحران‌های جامعه‌ی اسلامی.

ج) سرکوب مسلمانان و جنبش‌های اسلامی توسط رژیم‌های مستبد و کشورهای استعماری و اشغالگر.

د) یأس و سرخوردگی ناشی از حقارت مسلمانان در قبال غرب.

ه) پیروزی انقلاب اسلامی: انقلاب اسلامی، اولین انقلابی است که براساس اندیشه‌ی اسلامی بر ضد تمدن و فرهنگ تحمیلی غرب و بر ضد نظام سیاسی و ساختار اقتصادی و اجتماعی متأثر از آن رخ داد. در واقع، در جو یأس و ناامیدی سال‌های پایانی دهه ۱۹۷۰، پیروزی انقلاب اسلامی تأثیر قابل ملاحظه‌ای در میان مسلمانان و ایجاد بیداری اسلامی در میان آنها گذاشت.

مورد اخیر و پیروزی انقلاب اسلامی نقش تعیین کننده در رشد گرایش‌های اسلام‌خواهانه در سراسر جهان به ویژه کشورهای اسلامی و عربی داشته است.

اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، یک روند فراگیر، سراسر جهان اسلام را فراگرفت و نه فقط مسلمانان را، بلکه تمام مستضعفان را به حرکت درآورد، چرا که مخاطب امام مستضعفان سراسر کره زمین بودند:

مردمی در عراق، تسخیر مسجدالحرام در مکه در سال ۱۳۵۸، جهاد مسلمانان در افغانستان اشغال شده توسط شوروی و مبارزه‌ی ائتلاف شمال با گروه طالبان و القاعده، مقاومت شدید در لبنان، حرکت‌هایی در کویت، بحرین، قیام مردم در الجزایر، مصر، تونس، مراکش و قیام اسلامی در فلسطین و حرکت رهایی‌بخش در لبنان و... تجلی یافته است. این نیروی مردمی ناشی از بیداری اسلامی، مرزهای جغرافیایی را در هم نوردید و از ایدئولوژی‌های سیاسی و نظام‌های ملی فراتر رفت. از این رو در حالی که مردم جهان به انقلاب ایران به عنوان یک الگو می‌نگریستند، حکام منطقه که همکاری بسیار نزدیکی با آمریکا و بعضاً با رژیم صهیونیستی داشتند، آن را به عنوان تهدیدی برای بقای خود قلمداد کردند و در صف تبلیغاتی و فشار سیاسی و اقتصادی اردوگاه ضد جمهوری اسلامی ایران قرار گرفتند و تلاش‌هایی را برای ضربه زدن و تخریب چهره‌ی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه‌ای و در میان ملت‌های خود آغاز کردند. اما با گذشت زمان و کنار رفتن غبارهای کاذبی که این اردوگاه میان ملت‌های منطقه و انقلاب اسلامی ایجاد کرده بود، حقانیت و شفافیت جمهوری اسلامی ایران برای همگان آشکار و روشن شد.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، یک جاذبه‌ی اسلامی را در مردم ایجاد کرد. از آن پس، مردمی که از عظمت و قدرت خود بی‌اطلاع بودند و همه‌ی مظالم را در چارچوب تقدیر تفسیر می‌کردند، با برداشتی نوین از اسلام، (امام راحل از آن به عنوان «اسلام ناب» یاد می‌کردند)، به حرکت درآمدند. این حرکت نه فقط شیعیان، بلکه طرفداران اهل سنت را نیز در بر می‌گرفت؛ چرا که پیام و رسالت امام، پیام وحدت مسلمانان و یک پیام فراگیر و جهانی بود.

البته شایان ذکر است اندیشه‌ی انقلاب اسلامی با اقدامات تروریستی که بعضاً از سوی برخی گروه‌ها در منطقه صورت می‌گرفته و می‌گیرد، بیگانه است و هیچ قرابت و خویشاوندی با آن ندارد. اما آمریکا و سازمان سیا و موساد با نسبت دادن آنان به گروه‌هایی که ادعا می‌شد با جمهوری اسلامی ایران ارتباط دارند، تلاش‌های گسترده‌ای را برای تخریب چهره‌ی جمهوری اسلامی ایران و جلوگیری از رشد و نفوذ معنوی و سیاسی ایران در منطقه، میان ملت‌های مسلمان و جنبش‌های رهایی بخش آغاز کردند، اما گذشت زمان دروغ‌گویی آمریکا و رژیم صهیونیستی و حقانیت مواضع جمهوری اسلامی ایران را در این ارتباط آشکار ساخته است.

آمریکا هم اکنون نیز در شرایطی ایران را به حمایت از القاعده متهم می‌سازد که هیچ ارتباط و سنخیتی میان جمهوری اسلامی ایران و این گروه وجود ندارد. به علاوه جمهوری اسلامی ایران در زمان حاکمیت نسبی طالبان در افغانستان، خود قربانی همکاری سازمان‌یافته میان گروه طالبان و القاعده علیه جمهوری اسلامی بوده است. از دیگر سو القاعده محصول سازمان سیا و سازمان اطلاعات



صهیونیستی را در کالبد کشورهای اسلامی گوشزد می‌کنم... سران سازش‌کار اسلامی تصور نکنند که گذشت زمان سیرت و صورت جنایت‌های اسرائیل را دگرگون ساخته است و گرگ‌های خون‌آشام صهیونیسم از فکر تجاوز و غصب سرزمین‌های از نیل تا فرات دست برداشته‌اند.» (۹)

«باید با تشکیل هسته‌های مقاومت حزب‌الله در سراسر جهان، اسرائیل را از گذشته‌ی جنایت‌بار خود پشیمان و سرزمین‌های غصب شده مسلمانان را از چنگال آنان خارج کرد» ۱۰.

«اصولاً این تکلیف همه‌ی مسلمین است که قدس را آزاد کنند و شر این جرثومه‌ی فساد (رژیم صهیونیستی) را از سر بلاد اسلامی قطع کنند» (۱۱).

ب) رستاخیز اسلامی در فلسطین اشغالی

ملت فلسطین که بیش از نیم قرن در جنگ و جدال با صهیونیسم بوده است و ظلم و بیدادگری این رژیم را تحمل نموده است در هر زمان امید به حمایت بخشی از اعراب و یا سازمان‌های چریکی فلسطینی را داشته است. ملت فلسطین مدتی به «جمال عبدالناصر (رئیس جمهوری اسبق مصر)» و به «پان عربیزم» دل بسته بود، اما جانشین عبدالناصر در همان دوران پیروزی انقلاب اسلامی، تغییر جهت داد و با سفر به بیت‌المقدس و ملاقات با سران صهیونیستی، بدترین ضربه را به نهضت فلسطین وارد آورد و نهایتاً در سال ۱۳۵۸ شمسی در «کمپ دیوید» خود را از جرگه‌ی حامیان نهضت فلسطین خارج نمود و دست دوستی و مودت به اسرائیل داد. با فرمان و دستور حضرت امام و به عنوان عکس‌العملی در قبال این خیانت، روابط ایران

«باید این نهضت نهضت مستضعف در مقابل مستکبر در تمام عالم گسترده شود. ایران مبدأ و نقطه‌ی اول و الگو برای همه‌ی ملت‌های مستضعف است. در تمام اقشار عالم مسلمین به پا خیزند، بلکه مستضعفین به پا خیزند، وعده‌ی الهی، مستضعفین را شامل است» و می‌فرماید: که «منت بر مستضعفین می‌گذاریم که آنها امام بشوند در دنیا وارث باشند. امامت حق مستضعفین است. وراثت از مستضعفین است. مستکبرین غاصبانند.» (۸)

۵ - انقلاب اسلامی و فلسطین

الف) امام خمینی (ره) و مسئله فلسطین

حتی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (ره)، یهودیان سیاسی و نمایندگان و عاملین استعمار صهیونیست‌ها را غاصب و جنایتکار معرفی کرده و مبارزه با این رژیم اشغالگر را تا آزادی سرزمین‌های مسلمین و رهایی قدس شریف و مسجد الاقصی از چنگال صهیونیست‌ها لازم دانسته‌اند و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به رژیم صهیونیستی اطلاق «غده‌ی سرطانی منطقه» داده‌اند و همچنین به منظور همگانی کردن مبارزه با صهیونیست‌ها و جاودانی شدن مسئله‌ی قدس و فلسطین، آخرین جمعه‌ی ماه مبارک رمضان را به عنوان «روز قدس» اعلام نمودند و «فلسطین» را «پاره‌ی تن اسلام» خواندند.

در ذیل به بعضی از موضع‌گیری‌های حضرت امام خمینی (ره) در ارتباط با اسرائیل و فلسطین اشاره می‌شود:

«من مجدداً خطر فراگیری غده‌ی چرکین و سرطانی رژیم

و مصر بلافاصله قطع گردید. پس از مصر، کشورهای دیگری نیز به صف سازشکاران با رژیم صهیونیستی پیوستند و توافقاتی را با این رژیم امضاء کردند.

اما با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط رژیم شاه، حامی جدی در منطقه برای فلسطینیان پیدا شد و پس از وقوع این رویداد تاریخی، معادلات سیاسی در منطقه به ویژه در فلسطین اشغالی بر هم خورد. از دیدگاه رهبران انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، موضوع فلسطین نه یک موضوع جهان عرب بلکه موضوع جهان اسلام است. تعیین روز قدس در جمعه‌ی آخر هر ماه رمضان توسط حضرت امام خمینی(ره) به منظور یادآوری این امر بود. از دیدگاه انقلاب اسلامی، دولت صهیونیستی هیچ راه حلی جز زور نمی‌شناسد و با زور باید با زبان زور برخورد کرد. ملت فلسطین خود باید قیام کند و حق خود را بستاند. هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی، یک رستاخیز اسلامی در نوار غزه و ساحل غربی رود اردن آغاز شد. انقلاب اسلامی ایران برای توسعه‌ی این خیزش محرک و انگیزه‌ی نهایی بود. (۱۲) به عبارتی: اشغالگری، ناامیدی و یأس ناشی از سیاست‌های اعراب و تجربیات مبارزاتی در طول ۷۰ سال مقاومت و جهاد پی‌گیر را نمی‌توان به عنوان علل کافی برای خیزش دوباره‌ی فلسطینیان در پوشش اسلامی آن دانست. سرزمین‌های اشغالی شاهد یک حرکت بزرگ و عظیم بیداری اسلامی، به عنوان بخشی از نهضت اسلامی گسترش یافته در منطقه بود که با قیام و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران آغاز شد. از همین رو، همان‌طور که امام خمینی به زندگی ایرانیان معنی و مفهوم بخشید، به میلیون‌ها انسان مسلمان و مستضعف نیز امید بخشید و مسلمانان فلسطین نیز احساس کردند که می‌توان اسرائیل را از میان برد(۱۳).

بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نخستین مرکز جهاد اسلامی فلسطین در نوار غزه فعال شد(۱۴). به این ترتیب، پس از دهه‌های ۵۰، ۶۰ و ۷۰ که اسلام از صحنه‌ی فلسطین خارج بود، مجدداً مسئله‌ی فلسطین به مرکزیت دنیای اسلامی معاصر منتقل شد و با این پشتوانه‌ی جدید به مقابله با پدیده‌ی اسرائیل رفت. از این به بعد اصول جهاد، شهادت و فداکاری در راه هدف که سمبل‌های شیعیان و شعارهای انقلاب ایران بود، به عنوان اصول اساسی جهاد اسلامی فلسطین مطرح شد.

انعکاس افکار امام خمینی در مباحث مختلف روز به روز بیشتر آشکار می‌شد. «احمد صدیق» یکی از سخنگویان بلندپایه‌ی جهاد اسلامی در مقاله‌ای نوشت: «پیروزی اعتقادات الهی در ایران، مبارزه علیه اسرائیل است». «شیخ اسعد تمیمی» یکی دیگر از رهبران فلسطینی می‌گوید: «تا زمان انقلاب ایران، اسلام از عرصه‌ی نبرد غایب بود، انقلاب ایران، واقعیت قدیمی «اسلام راه‌حل و جهاد وسیله‌ی اصلی است» را به سرزمین فلسطین وارد کرد.

جهاد اسلامی فلسطین اعلام کرد: «مسئله‌ی فلسطین یک مسئله‌ی اسلامی است، نه یک مسئله‌ی ملی که تنها مربوط به فلسطینیان باشد و یا یک مسئله‌ی عربی که فقط به اعراب ارتباط داشته باشد. این مسئله، مسئله‌ی جهان اسلام است.»(۱۵)

به این ترتیب، طرفداران اندیشه‌ی امام خمینی، جذاب‌ترین گروه برای ساکنان نوار غزه و ساحل غربی شدند. در حقیقت، عملیات فراگیر نیروهای جهاد اسلامی فلسطین در برانگیختن قیام فلسطینیان، نشانگر رشد و نفوذ معنوی و سیاسی انقلاب اسلامی در جامعه‌ی فلسطینی است. به گفته‌ی شیخ عبدالله شامی، یک چهره‌ی برجسته‌ی اصولگرای فلسطین، «پیروزی انقلاب اسلامی ایران اثر به واقع عظیمی بر انقلاب فلسطین و بر مردم فلسطین داشت. پس از آن مردم فلسطین دریافتند که برای آزادی فلسطین به قرآن و تفنگ نیاز دارند. این مسئله نخست در حرکت جهاد اسلامی کاملاً تحقق یافت که بذر چنین اندیشه‌ای را در عرصه‌ی فلسطین افشاند.»

ج) انقلاب اسلامی و انتفاضه

عمده‌ترین دلیل مخالفت و تداوم خصومت و تبلیغات منفی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران به مسئله‌ی انتفاضه و قیام عمومی مردم مسلمانان علیه اشغال‌گران بازمی‌گردد. تکوین و تداوم انتفاضه به شدت متأثر از قیام اسلامی مردم مسلمان ایران بوده است. قیامی که مردم ایران علیه استبداد شاه، سلطه و استعمار آمریکا انجام داده‌اند، به تعبیر تحلیل‌گران غربی، زلزله‌ای بوده که منطقه‌ی خاورمیانه را شدیداً تکان داده است(۱۶). پیشگامان حرکت انقلابی در فلسطین و فعالان انتفاضه، مسلمانانی بودند که ناکامی حرکت‌ها و جریان‌های سوسیالیستی و ملی‌گرایی را در مبارزه با صهیونیسم مشاهده کردند. آنها سازمان‌هایی را با گرایش‌های اسلامی جهت مقابله با رژیم اشغالگر و علیه اشغالگری تشکیل دادند که ابتدا «سازمان جهاد اسلامی» و سپس «حماس» در فلسطین بوده است. این گروه‌های اسلامی، حرکت‌ها و اقدام‌هایی را علیه رژیم صهیونیستی آغاز کردند که مهم‌ترین آنها، اقدام مسلحانه و اجرای عملیات استشهادی علیه این رژیم و به موازات آن، فعالیت‌های فرهنگی، جذب و سازماندهی جوانان مسلمان و مشتاق بوده است. مجموعه‌ی این اقدام‌ها نهایتاً منجر به حرکت و قیام عمومی مردم مسلمان فلسطین معروف به «انتفاضه» در سال ۱۹۸۷ گردید. بررسی این قیام و انتفاضه الاقصی که در سال ۱۳۷۹ آغاز شد و کاملاً روند سازش را تحت تأثیر قرار داده است، بیانگر عمق و شدت تأثیر انقلاب اسلامی بر روند این قیام و در نتیجه بر روند سازش می‌باشد.

فتحی شقاقی، دبیر کل شهید سازمان جهاد اسلامی درباره تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در شروع انتفاضه و تداوم آن عقیده دارد که، فلسطین اشغالی به مانند دیگر کشورهای منطقه عربی اسلامی متأثر از خیزش اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) بود. تأثیر انقلاب

تداوم خصومت آمریکا و رژیم صهیونیستی با انقلاب اسلامی به نقش و تأثیر این رویداد مهم تاریخی قرن بیستم در جهان اسلام و قوت و رشد یافتن حرکت‌های ضد استعماری و ضد اشغالگری در خاورمیانه اسلامی از فردای پیروزی انقلاب اسلامی تا به امروز می‌باشد.

پی‌نوشت:

- ۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره‌ی کل انتشارات و تبلیغات، شهریور ۱۳۶۸، ص ۲۸.
 - ۲- همان، ص ۳۰
 - ۳- همان، ص ۷۸
 - ۴- همان، ص ۷۹
 - ۵- محمد باقر سلیمانی، بازیگران روند صلح خاورمیانه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۹، ص ۲۰۴.
 - ۶- جمیله کدیور، رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲، ص ۹۶.
 - ۷- الاسبوع العربی، چاپ بیروت، دسامبر ۹۱، شماره ۲۶۷۸.
 - ۸- صحیفه‌ی نور، ج ۶ ص ۱۶۸.
 - ۹- امام خمینی(ره)، پیام برائت، (تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۶)، ص ۶.
 - ۱۰- در جستجوی راه امام از کلام امام، جلد ۱، ص ۱۸۴.
 - ۱۱- نداءالقدس، سازمان جهاد اسلامی فلسطین، شماره ۱۲، خرداد ۱۳۷۶، ص پایانی.
 - ۱۲- Elie Rekhess. (the Iranian Impact on the Islamic Jihad movement in the Gaza strip.) in the Iranian revolution and the muslim world. pp ۱۸۹ _ ۱۹۰
 - ۱۳- فتحی شقاقی، انتفاضه و طرح اسلامی معاصر (تهران: انتشارات بین‌المللی المهدی، ۱۳۷۱)، صص ۸۸ و ۸۷.
 - ۱۴- جمیله کدیور، پیشین، ص ۱۱۴.
 - ۱۵- همان
 - ۱۶- محمد باقر سلیمانی، پیشین، ص ۲۶۳
 - ۱۷- همان، صص ۲۶۵ ۲۶۴
 - ۱۸- Martin Kramer. (Redeeming Jerusalem: the Pan _ Islamic premise of Hizbollah). In the Iranian Revolution and the muslim world. p ۱۱۷
 - ۱۹- محمد باقر سلیمانی، پیشین، ص ۲۳۵
 - ۲۰- منوچهر محمدی، انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدها، تهران: دفتر نشر و پخش معارف، ۱۳۸۰، ص ۲۳۷
- * برگرفته از کتاب ۲۵ گفتار پیرامون انقلاب اسلامی

اسلامی به رهبری امام خمینی در فلسطین قوی‌تر از هر مکان دیگر بود. با پیروزی انقلاب اسلامی، به خود آمدیم و دریافتیم که آمریکا و اسرائیل نیز قابل شکست هستند. (۱۷)

۶- انقلاب اسلامی و مقاومت لبنان

انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، شیعیان لبنان و دیگر نقاط را به جنبش درآورد و نویدبخش امیدهای سرکوب شده‌ی آنان شد. اشغال جنوب لبنان در ژوئن ۱۹۸۰ توسط اسرائیل، این کشور را به صورت مناسب‌ترین محل رشد افکار انقلابی شیعه درآورد. حزب‌الله لبنان به عنوان یک جنبش مخالف سیاسی و اجتماعی و به دنبال شکست دولت لبنان از اسرائیل و تحت تأثیر آرمان‌هایی که انقلاب اسلامی ایران در میان شیعیان لبنان پدید آورد، ریشه گرفت.

گروه‌های اسلامی لبنان، از جمله حزب‌الله خواستار توسعه‌ی آرمان‌های اسلامی در سراسر جهان هستند، حسین موسوی، رهبر اهل اسلامی، می‌گوید: «ما ارتباط نزدیکی با مسلمانان سراسر جهان داریم. ما به جهان اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی مادر ماست. تلاش حزب‌الله بخش جدایی ناپذیر از استراتژی سراسری اسلامی در مقابله‌ی بزرگ و جامع با تجاوز صهیونیست‌ها، جنگ طالبان و استکبار جهانی است (۱۸)».

پیوند حزب‌الله با جمهوری اسلامی ایران، پیوندی عمیق، استراتژیک و ناگسستگی است. این پیوند ماهیتی کاملاً ایدئولوژیک دارد و بر مبنای ارزش‌ها و اعتقادات اسلامی و شیعی استوار است (۱۹). پیروزی‌های به دست آمده در لبنان توسط حزب‌الله علیه نیروهای رژیم صهیونیستی که صرفاً بر پایه‌ی اعتقاد و ایمان راسخ و با تکیه بر اصل شهادت به دست آمد و خود یکی از اثرات انقلاب اسلامی در آن منطقه بود، به الگویی مناسب برای ملت فلسطین تبدیل شده است و آنان نیز با الگوبری از انقلاب اسلامی و حزب‌الله لبنان، شیوه‌ی مبارزه‌ی مردمی و «انقلاب سنگ» را آغاز کرده و ادامه می‌دهند (۲۰).

نتیجه:

اگر به تحولات منطقه‌ی خاورمیانه به ویژه در سطح افکار عمومی جهان اسلام و لبنان و فلسطین اشغالی نگاه کنیم، در می‌یابیم که انقلاب اسلامی توانست به عنوان یک الگو و شیوه‌ی مبارزه، جایگاه خود را در میان مسلمانان و جنبش‌های رهایی‌بخش بیابد و تأثیرات بسیار مثبت و سازنده‌ای در بیداری مسلمانان و جنبش‌های رهایی‌بخش اسلامی داشته باشد. آنچه که امروز برای غرب به ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی نگران کننده است، نفوذ معنوی و سیاسی انقلاب اسلامی در میان مسلمانان جهان و جنبش‌ها و نهضت‌های اسلامی رهایی‌بخش می‌باشد. از این رو بخش عمده‌ای از کینه، دشمنی و